

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا در خصوص زمان حرکت کوهها در آیه ۸۸ سوره نمل با تکیه بر قاعده سیاق

عبدالله میراحمدی^{۱*}، زهره دانشی کهن^۲

- ۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲- دانش آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه رفیع المصطفی، تهران، ایران

پذیرش ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

زمان حرکت کوهها در آیه ۸۸ سوره نمل، از دیرباز میان مفسران متقدم و متأخر محل نزاع بوده است. در این میان، رویکردهای فلسفی بر این چالش افزوده است. ضرورت دارد که زمان حرکت کوهها درست تشخیص داده شود وگرنه سبب اشتباه در فهم صحیح آیه و نادیده گرفتن یکی از ابعاد اعجاز علمی آیه یاد شده، می شود. این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و با تطبیق و مقایسه دیدگاههای مفسران و با تکیه بر سیاق آیات قریب و بعید بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که حرکت کوهها در آیه ۸۸ سوره نمل، چه زمانی رخ می دهد؟ همچنین نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوهها تا چه اندازه با قواعد تفسیری و به ویژه سیاق آیات، قابل اثبات است؟ نتایج نشان می دهد که ملاصدرا در شاخص ترین تفسیر فلسفی خود پس از تبیین حرکت جوهری به حرکت تکوینی - ذاتی، حرکت کوهها در آیه ۸۸ سوره نمل را مربوط به قیامت دانسته و ضمن توضیح آن، کوهها را مانند ابرها، در جریان و سیلان و ذوب شدنی دانسته که حس را به اشتباه می اندازد. با دقت نظر در دیدگاه ملاصدرا در می یابیم که اگر وی، حرکت ذاتی جوهری را زیرمجموعه حرکت تکوینی موجودات در نظر گرفته باشد، حرکت کوهها نیز حرکتی تکوینی است و می توان حرکت جوهری در آیه را در محدوده دنیا قابل پذیرش دانست. هرچند، ملاصدرا زمان آیه را مربوط به قیامت و درباره ادامه مسیر تکاملی موجوداتی همچون کوهها را در نشئه آخرت فرض کرده است، با این حال، با حل مشکل سیاق آیات سوره نمل، حرکت جوهری نیز در محدوده حیات دنیا قابل پذیرش است. همچنین با توجه به قاعده صحیح تفسیری، حرکت کوهها در دنیا به منزله نشانه های الهی، جهت ایمان آوردن و تسلیم شدن اهل کتاب و مؤمنان بازگو شده است.

واژگان کلیدی: آیه ۸۸ سوره نمل، قاعده سیاق، حرکت کوهها، حرکت جوهری، ملاصدرا

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

در تفسیر آیات قرآن، توجه به آیات مکی و مدنی، معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ها، پیوند عبارت‌های قرآنی و همچنین آیات قبل و بعد و مجموع آیاتی که با هم از نظر مفهومی ارتباط دارند، بسیار مؤثر و نتیجه‌بخش است. گاهی عدم توجه به سیاق آیات در یک سوره و یا اشتباه در تشخیص صدر و ذیل سیاق، سبب اشتباه در تفسیر یک آیه از قرآن و اختلاف تفسیری در میان تفاسیر متقدمین و متأخرین شده است. توجه و بی‌توجهی مفسران قرآن به قاعده سیاق را به صورت ویژه در آیه ۸۸ سوره نمل می‌توان مشاهده کرد.

ضرورت بحث آنجاست که اگر سیاق درست تشخیص داده نشود، روشن نمی‌شود که زمان حرکت کوه‌ها که همانند حرکت ابرهاست، چه زمانی رخ می‌دهد؟ آیا زمان حرکت کوه‌ها در دنیا بوده و به یک مسأله علمی اشاره دارد و یا مربوط به حوادث آستانه قیامت و فروپاشی کوه‌هاست؟ آیا بر اساس نظریه حرکت جوهری و با توجه به سیاق آیات می‌توان به فهم صحیح دست یافت؟

بنابر یک دسته‌بندی کلی، اگر اثبات شود که حرکت کوه‌ها در زمان دنیا رخ می‌دهد، آیه به یک نظریه زمین‌شناسی اشاره دارد که خود به مثابه اعجاز علمی قرآن محسوب می‌شود. در مقابل، اگر حرکت کوه‌ها طبق نظر برخی از مفسران، مانند ملاصدرا، به حوادث مرتبط با آستانه قیامت و فروپاشی آن‌ها اشاره داشته باشد، مانند سایر آیات مشابه در این باره قابل فهم خواهد بود. به‌طور کلی، صدرالمتهلین، حرکت کوه‌ها را مربوط به قیامت دانسته و از حرکت جوهری برای تبیین نظریه خویش استفاده کرده است. حال آنکه پس از واکاوی مسأله پژوهشی، احتمال حرکت در حیطه زمانی قیامت قابل پذیرش نیست. در مقابل، ارتباط این حرکت به حرکت جوهری به قوه خود باقی و قابل پذیرش است.

قاعده سیاق به عنوان یکی از برجسته‌ترین قواعد تفسیری، گستره حرکت جوهری کوه‌ها را به عنوان یکی از موجودات و نشانه‌های الهی، در حیات دنیوی به‌شمار می‌آورد و تأیید می‌کند. بر پایه قاعده سیاق، نظریه ملاصدرا که قلمرو حرکت جوهری کوه‌ها را

با توجیه مشابهت‌انگاری آیه با سایر آیات در قیامت و مرتبط با حوادث آستانه قیامت دانسته است، صحیح به نظر نمی‌رسد. به‌طور کلی، اثبات هرکدام از این دو دیدگاه رقیب، بر ترکیب عبارت‌های درونی آیه اثر دارد که مقصود آیه را نیز متفاوت می‌کند. با اینکه مفسران و محققان قرآنی در دوره‌های گوناگون به موضوع حرکت کوه‌ها در ابعاد مختلف پرداخته‌اند، ولی عدم توجه به سیاق و یا اشتباه در سیاق‌بندی این آیات، سبب عدم فهم صحیح آنان شده است. چنانچه مشکل سیاق حل شود در تکمیل پژوهش‌های آینده نقش بسزایی خواهد داشت.

۲-۱- سؤالات پژوهش

به‌طور کلی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:
با مراجعه به گرایش‌های گوناگون تفسیری، زمان و گستره حرکت کوه‌ها در آیه ۸۸ سوره نمل چگونه دسته‌بندی شده است؟
نظریه حرکت جوهری ملاصدرا در تبیین آیه ۸۸ سوره نمل چه جایگاهی دارد و به چه اندازه کارآمد است؟
اختلاف ایجاد شده میان نظریه حرکت جوهری ملاصدرا با قاعده سیاق چگونه قابل جمع است؟

۳-۱- پیشینه پژوهش

پیرامون تفسیر آیه ۸۸ سوره مبارکه نمل و موضوع حرکت کوه‌ها، پژوهشگران از ابعاد مختلف به موضوع نگریسته و پژوهش‌های متنوعی نوشته‌اند.
مقاله محمدتقی دیاری بیدگلی، حسن علیزاده و علی اصغر شعاعی، با عنوان «حرکت کوه‌ها از منظر قرآن کریم و علم زمین‌شناسی»، تا حدودی به موضوع پژوهش حاضر نزدیک‌تر است و حرکت کوه‌ها را در زمان دنیا بررسی کرده است. حال آنکه در مقاله حاضر به مقایسه تطبیقی نظریه‌های مختلف مفسران متأخر و متقدم و تفسیر فلسفی

ملاصدرا با تکیه بر سیاق آیات پرداخته می‌شود. محققانی که حرکت طبیعی کوه‌ها را مفروض گرفتند و به تحقیقات علمی در این زمینه پرداخته‌اند، به درستی نتوانستند اشکالات مفسران به بحث سیاق آیات معاد که آیه ۸۸ سوره نمل هم در آن قرار گرفته است را، پاسخگو باشند. بنابراین مشکل سیاق آیات معاد همچنان به قوت خود باقی است و برای حل آن نیاز است تا سیاق این آیات بازنگری شود و دلایل مفسران متقدم و متأخر، تحلیل و نقد و ارزیابی شود، تا به رأی واحد و مستدلی در این مبحث دست یابیم. در میان نظریه‌های فلسفی نیز حرکت جوهری ملاصدرا دارای اهمیت است و نتیجه بررسی سیاق آیات، زمان حرکت جوهری کوه‌ها را مشخص می‌کند.

۲- مفاهیم نظری پژوهش

۲-۱- مفهوم‌شناسی واژه حرکت

حرکت در لغت، به معنای ضد سکون (زمخشری، ۱۳۸۶: ۴) و نقطه مقابل سکون و آرامش است. بیشتر نیز، درباره اجسام و جابجایی آن‌ها بکار می‌رود؛ چنانکه عبارت «تحرک کذا»، درباره تغییر حالت، چه از نظر زیاد شدن یا کم شدن اجزاء چیزی، بکار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۷۳). افزون بر این، از نظر لغت‌شناسان، به خارج شدن از سکون (موسی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۳۴۵) و به جنبش درآمدن (زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۱۷) و تکان خوردن (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۲۵) نیز، حرکت گفته می‌شود.

کلمه «جامد» به معنای سفت و محکم (زمینی که در آن آب باران فرو نرود) و ضد سائل، روان و ذوب است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۶). برخی «جماد» را ضد زنده بودن و حیات داشتن، می‌دانند (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۴۱۶). واژه «یَمُرُّ» در آیه ۸۸ سوره نمل از ریشه «مر» به معنای عبور است (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۲۴۷). برخی نیز گذر کردن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۸۱) و رفتن (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۱۵) را برای آن ذکر کرده‌اند که «یَمُرُّ» بر حرکت کوه‌ها همانند حرکت ابرها دلالت می‌کند و مرور، نوعی از حرکت است.

حرکت در اصطلاح فلسفه نیز، هر عرضی است که در او ثبات متصور نشود (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۳) و هر هیأتی که ثبات او تصور نشود، حرکت نامیده می شود (همان: ۱۱۹). به طور کلی، حرکت هر چیزی که تجدد آن واجب باشد و حرکتی که دائمی باشد و هرگز منقطع نشود، حرکت دوری است که سبب حوادث در جهان می باشد (همان: ۹۸).

اساس تعریف های یاد شده بر این مبناست که حرکت، واقعیتی انکارناپذیر و موجود است که نه واجب است و نه ممتنع، پس ممکن است و عرض است؛ زیرا تا متحرکی نباشد حرکتی نیست (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

از دیدگاه حکمای مشاء، اعراض نه نوع است:

کم، کیف، اضافه، این، متی، ملک، فعل، انفعال و وضع.

گرچه حرکت، نوع مستقلی از این انواع نیست، اما از جهات مختلفی می تواند شامل مقوله های مختلفی از آن ها شود؛ ولی از نظر شیخ اشراق، حرکت، نوع مستقلی از عرض است؛ زیرا به نظر شیخ، عرض، تنها چهار نوع است که عبارت است از: کم، کیف، اضافه و حرکت. به همین دلیل در تعریف حرکت، به عرض بودن آن تصریح کرده است. اما این نکته در تعریف حرکت تأکید شده و در حقیقت، ماهیت حرکت را تشکیل می دهد که حرکت دارای بی ثباتی و تجدد مستمر است. حرکت، در واقع مجموعی است از عدم و وجود تدریجی، یعنی جریان انتقال از قوه به فعل و سیلان مستمر امکان به سوی وجود. این سیلان و جریان نیز وقفه ناپذیر است و اجزای فرضی آن هیچگاه در یک آن با هم جمع نمی شوند (همان: ۱۵۵)، بلکه دائماً معدوم می گردند (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۵۸).

این تجدد و تغیر که حرکت نام دارد، همه اجزاء و اشیای جهان را در بر می گیرد. همچنین تغییرهای کیفی، مانند زیاد شدن حرارت و تغیرات کمی، مانند ازدیاد حجم و انتقالات وضعی، همچون حرکت جسم به دور خود و تغیر جوهری، مانند تبدل یک جسم از نوعی به نوع دیگر را شامل می شود (همان، ج ۲: ۱۷۲). به طور کلی، در تمام این حرکت ها اعم از تغیرات فیزیکی (ملکول های تشکیل دهنده ماده) و تغیرات شیمیایی (تغیر مکانی اتم ها)، دارای تغیر مکانی هستند.

از نظر فلاسفه، حرکت می‌تواند ذاتی باشد؛ مانند حرکت جوهری که ذاتی است. حرکت ذاتی، حرکتی است که بر ذات جسم عارض می‌شود و بر سه قسم است: اول حرکت قسری، یعنی حرکتی که مبدأ آن از جانب غیر باشد، مثل سنگی که به طرف بالا پرتاب شود.

دوم حرکت ارادی، یعنی حرکتی که مبدأ آن در خود شیء متحرک باشد، به اضافه شعور و آگاهی وی به اینکه خود، مبدأ حرکت است؛ مانند حرکت موجود زنده به اراده خود (صلیب، ۱۳۶۶: ۳۰۶). ابن‌سینا می‌گوید: «علتها و انگیزه‌های حرکت ارادی، امور ارادی و اراده ثابت واحد است» (۱۳۷۹: ۵۸۰).

سوم حرکت طبیعی، یعنی حرکتی که نه معلول انگیزه خارجی باشد (قسری) و نه با شعور و اراده انجام شود (ارادی)، مثل حرکت سنگ به طرف پایین (صلیب، ۱۳۶۶: ۳۰۶). ابن‌سینا می‌گوید: «حرکت طبیعی، حرکتی است که از حالت ملائم به حالت ناملائم انجام می‌شود» (۱۳۷۹: ۵۷۸).

۲-۲- قاعده سیاق

سیاق، عبارت است از نشانه‌هایی (خواه لفظی یا قرائن حالیه) که معنای لفظ موردنظر را کشف کند (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۵). از نظر اندیشمندان، سیاق از بزرگترین قرینه‌هاست که بر مراد متکلم دلالت دارد. از جمله کارکردهای سیاق می‌توان به تبیین مجمل، تعیین محتمل، حکم قطعی به عدم احتمال معنای غیر مقصود، تخصیص عام و مقید ساختن مطلق و دلالت بافت بر تنوع معنا اشاره کرد (سلوی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷۰-۷۹).

اندیشمندان، قاعده سیاق را در تبیین آیات قرآن در سه بخش، کارآمد می‌دانند:

۱- سیاق سوره: بهترین روش برای تبیین غرض اصلی یک سوره، مراجعه به آیات آن و مرتبط نمودن معانی و مفاهیمی است که از ظاهر آن‌ها بدست می‌آید. در صورتیکه بتوان این مفاهیم را بدون تکلف در زیر یک چتر واحد جمع نمود، می‌توان آن موضوع را به عنوان

غرض اصلی سوره اعلام کرد (خامه گر، ۱۳۸۶: ۲۲۴) و مجموع آیات درون یک سوره که برای فهماندن هدفی خاص کنار هم چیده شده‌اند، سیاق سوره نامیده می‌شوند.

۲- **سیاق آیات:** مفسر، وظیفه دارد که آیات را در مجموعه‌ای به هم پیوسته و در ارتباط با هم بنگرد (موحد ابطحی، ۱۳۸۹: ۸). سیاق آیات و مطالب موجود در سوره، مهم‌ترین راه برای تشخیص سور مکی و مدنی است. در کنار آن از روایات اهل بیت (علیهم السلام) نیز می‌توان بهره فراوان برد (مستفید، ۱۳۸۴: ۷۴).

۳- **سیاق جملات و کلمات:** گاه در قرآن یک کلمه یا ترکیب برای معانی مختلفی بکار برده می‌شود و مقصود و معنای موردنظر در هریک از آن‌ها را سیاق و ساختار کلام تعیین می‌نماید که باید به جملات و کلمات قبل و بعد از آن توجه کرد که این، اهمیت سیاق در مرزبندی معانی کلمات و ترکیبات قرآنی را می‌رساند (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳۹۳).

۳- بررسی قاعده سیاق در آیه ۸۸ سوره نمل

در این بخش به تفکیک، به تبیین سیاق سوره، آیات، جمله‌ها و کلمات سوره نمل، به ویژه آیه ۸۸ آن می‌پردازیم.

سیاق سوره نمل: از نظر مفسران، سوره نمل در مکه نازل شده (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۴۴۳) و مشهور است که پس از سوره شعراء بوده است؛ چنانکه هر دو سوره با حروف مقطعه آغاز شده و از «طواسیم» می‌باشند. این سوره همان محتوای سور مکی را داراست. چهار مورد بر تأیید این مدعا دلالت دارد:

- ۱- از جهت اعتقادی به اصل مبدأ و معاد اشاره کرده است.
- ۲- از قرآن، وحی و نشانه‌های عظمت خداوند در آفرینش مخلوقات سخن گفته است.
- ۳- از جهت روش عملی و اخلاقی به سرگذشت پنج تن از پیامبران الهی و اقوامشان پرداخته است.

۴- آغاز این سوره با بشارت و پایان آن با تهدید می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۳۹۱).

نتیجه بررسی سیاق سوره نمل، نمایانگر آن است که آیاتی که به سخن گفتن شگفت‌انگیز هدهد و مورچه اشاره دارد، آیات بیان عظمت حرکت کوه‌ها و آفرینش روز و شب، متناسب با سیاق سوره و آیه نخستین سوره می‌باشد.

سیاق آیات: صاحب تفسیر المیزان، آیات ۵۹ تا ۸۱ سوره نمل را در یک سیاق قرار داده و آیات ۸۲ تا ۹۳ را در سیاق دیگری جداسازی کرده است. هرچند ذیل آیه ۷۶ که در سیاق اول قرار دارد، آن را زمینه‌سازی برای آیات بعدی می‌داند که به زودی از حقانیت دعوت پیامبر و تقویت ایمان مؤمنان سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۳۸۹). بر این اساس، علامه طباطبایی اینگونه به ربط این دو سیاق اشاره کرده، ولی اصل در سیاق دوم را بر نشانه‌های قیامت دانسته و این ربط را نادیده پنداشته است.

به‌طور کلی اگر مجموعه آیات ۷۶ تا پایان سوره نمل در یک سیاق در نظر گرفته شود و یا به ربط این دو سیاق توجه گردد، می‌توان آیات را اینگونه تحلیل کرد:

۱- در ابتدای سیاق، آیه ۷۶، از کتاب قرآن سخن می‌گوید که آنچه موجب اختلاف بنی اسرائیل است را بر ایشان حکایت می‌کند و پروردگار به رأی خویش میانشان قضاوت خواهد کرد.

۲- در آیه ۷۷، هدایت و رحمت را ارمغانی قرآنی برای مؤمنان به شمار آورده است.

۳- هدایت نشدن کسانی که از شنیدن آیات الهی رو برمی‌گردانند در آیات ۸۰ و ۸۱ آمده است.

۴- در عبارت پایانی آیه ۸۱، راه هدایت شدن را در ایمان به آیات خداوند و تسلیم شدن، منحصر دانسته است.

۵- ایمان به آیات وقوع معاد، آیات شب و روز و آیات حرکت کوه‌ها و غیره را در ضمن آیات ۸۲ تا پایان سوره بیان کرده است.

۶- مفسرانی نیز بر آیات قریب در سیاق متمرکز شده‌اند. با این توضیح که حرکت کوه‌ها را به زمان قیامت مقید می‌کنند و به آیه قبل و بعد از آیه ۸۸ توجه کرده‌اند؛ یعنی آیات ۸۷ و ۸۹. را متصل به آیه ۸۲ و آن را ابتدای سیاق لحاظ کرده‌اند. همچنین آیه موردنظر را دارای

ارتباط مفهومی و شبیه آیات متلاشی شدن کوه در آستانه قیامت دانسته‌اند (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۱۹؛ نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۳۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۰۸؛ جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۴۱۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۵، ج ۶: ۱۹۶؛ ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۰۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۸۳؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۰۱).

۷- مفسرانی نیز با در نظر گرفتن آیات بعید در سیاق، حرکت کوه‌ها را در زمان دنیا تفسیر می‌کنند. آن‌ها آیه ۸۸ را به آیات بعید مانند آیه ۸۶ مرتبط می‌کنند و ابتدای سیاق را آیه ۷۶ می‌دانند و میان آن ارتباط برقرار می‌سازند (تستری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷۰-۵۶۹؛ میدانی، ۱۳۶۱، ج ۹: ۱۹۸-۱۹۷؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹، ج ۲: ۴۸).

به‌طور کلی، بر اساس دیدگاه مفسران، در آیه اول سوره، واژه «آیات» به «الْقُرْآن» اضافه شده و این از باب تفخیم و بزرگداشت آیات قرآن است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۴۶). چنین اسلوبی در ضمن آیات، بیانگر حرکت کوه‌ها و رفت و آمد شب و روز، شگفتی‌های آفرینش و عظمت آیات قرآن به چشم می‌خورد. از این‌رو میان سیاق آیات سوره، هماهنگی وجود دارد. همچنین این شگفتی‌ها را قرآن لایه‌لای آیات سوره بیان می‌کند تا بر اساس آیه ۸۱، سبب تقویت ایمان مؤمنان و تسلیم شدن اهل کتاب و هرکسی شود که اهل تفکر و تدبّر در آیات با عظمت قرآن است.

طبق ساختار رایج قرآن که در بیان مطالب، خطی و یکنواخت عمل نمی‌کند و در طرح مطلب اصلی، موضوع یا موضوعات پیرامونی را با اختصار ذکر می‌کند، آیات پایانی سوره نمل نیز باید چنین تحلیل شود. بر این اساس، وقتی خداوند در این سوره از نفخ صور و قیامت سخن می‌گوید در میانه سخن با جملاتی معترضه رو به اهل کتاب کرده و از آیات شب و روز سخن می‌گوید: ﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (نمل/۸۶)

سپس دوباره از معاد سخن گفته و بعد خطاب را به پیامبر (ص) کرده و با التفاتی دیگر از حرکت کوه‌ها و اتقان و استحکام آفرینش کوه‌ها و مخلوقات سخن می‌گوید. در

پایان آیه نیز به آگاه بودن خداوند به کارهای بندگان اشاره می‌کند: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ (نمل/۸۸) **سیاق جملات:** سیاق جمله ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ با سیاق جملات دیگری که در آیه آمده، باید متناسب باشد؛ مانند عبارت ﴿تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾. همچنین در این عبارت به دلیل تناسب میان ﴿صُنِعَ اللَّهُ﴾ و ﴿الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾، نباید دچار تضاد درونی در «سیاق کلمات» شد. اگر بگوییم کوهی که در حال فروپاشی و تخریب است، به همراهش عالم دنیا نیز در حال تخریب است، با این حال اتقان و استحکام در خلقت نیز دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۰۱)، در واقع به سیاق جملات درون آیه توجه نکرده‌ایم.

مفسران به اشتباه، «مرور کوه‌ها» را مساوق و ملازم فروپاشی و از میان رفتن کوه‌ها در قیامت گرفته‌اند و همین، سبب به اشتباه افتادن آن‌ها شده است. حال آنکه اشکال بزرگ سیاقی در تفسیر زمان حرکت کوه‌ها به آستانه قیامت، این است که عبارت «وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ»، حال برای جمله «تَحْسَبُهَا جَامِدَةً» است. پس لزوماً هر دو جمله مربوط به یک زمان است و نمی‌توان گفت: جمله «تَحْسَبُهَا جَامِدَةً» در دنیا و عبارت «وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» در آخرت اتفاق می‌افتد. افزون بر این، «اتقان صنع» نیز نتیجه همین تعارض ظاهری یعنی حرکت سریع باطنی در عین ایستایی ظاهری است.

در پایان نیز، عبارت ﴿إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ طبق سیاق به همان قضاوت قرآن برای رفع اختلاف اهل کتاب و هدایت مؤمنان بر می‌گردد؛ یعنی اگر «تفعلون» قرائت شود، یا روی سخن را به اهل کتاب برگردانده و آن‌ها را مورد خطاب قرار داده تا برای رفع اختلاف آن‌ها، به خبیر بودن خداوند به انجام کارهایشان توجه دهد و یا برای هدایت مؤمنان «تفعلون» آورده است؛ یعنی برای همان کسانی که مخاطب‌های حاضر برای شنیدن کلام وحی هستند و برای پند گرفتن از آیات در جهت هدایت شدن هستند، باید به خبیر بودن خداوند توجه کنند.

اما اگر قرائت غیر معمول «یفعلون» صحیح باشد، به اهل کتاب که بحث اختلاف و قضاوت میان آن‌ها مطرح است، مرتبط می‌گردد؛ زیرا این چند نشانه بیان شد تا همان مقصود

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوه ها... _____ عبدالله میراحمدی و زهره دانشی کهن

اصلی که ایمان آوردن، هدایت شدن و تسلیم شدن اهل کتاب و مؤمنان است، بیان شود و نباید خبیر بودن خدا را در همان نشانه‌های معاد منحصر کرد.

تناسب کلمه‌هایی مانند ﴿صَنَعَ اللَّهُ﴾ و ﴿أَتَقَنَ﴾، پیشتر بیان شد. توجه به تناسب تشبیه ﴿الْجِبَالُ﴾ به ﴿تَمَرٌ مِّنَ السَّحَابِ﴾، در درک شگفتی خلقت کوه‌ها و پی بردن به عظمت خالق هستی، اثربخش است. به بیان دیگر، دلیل شگفتی عبارت است از استعاره نادیدنی (سرعت حرکت کوه) به دیدنی (سرعت حرکت ابر) و یا سرعت سریع ابرها که وقتی از پایین به آن می‌نگریم، حرکت آن را آهسته می‌پنداریم؛ از این جهت سرعت آن نادیدنی است. همچنین تناسب صدر و ذیل آیه با تعبیر ﴿تَرَى الْجِبَالَ﴾ و ﴿إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ نکات بدیعی را به همراه دارد. خدایی که به نبی اکرم (ص) امر به رؤیت کوه را می‌کند تا به خلقت شگفت‌انگیز آن پی ببرد، از کردار بندگان نیز باخبر است و همه با دیدن آیات و نشانه‌های خداوند، حجت بر آن‌ها تمام می‌شود.

اکنون انطباق یا عدم انطباق نظریه حرکت جوهری ملاصدرا بر حرکت کوه‌ها در آیه مدنظر را بررسی می‌کنیم.

۴- تبیین آیه ۸۸ سوره نمل بر اساس نظریه حرکت جوهری

از اندیشمندانی که آیه ۸۸ نمل را با نظریه حرکت جوهری مرتبط دانسته‌اند، ملاصدرا است. او در توضیح نظریه حرکت جوهری اینگونه می‌نویسد:

خداوند انسان را هدایت کرد به هدایت تکوینی و وضعی. دو طاعت بر او واجب کرد؛ تکوینی و تدوینی که مبدأ حرکت یکی ذاتی و مبدأ حرکت دیگری ارادی است. آنکه مبدأش ذاتی است، دارای حرکت جوهری است و مانند سایر حرکت‌ها دارای فاعل و قابل و مسافت و آغاز و سرانجام راه است. تفاوت حرکت جوهری با سایر حرکات در این است که مسافت این حرکت همان متحرک آن است، هم از جهت وجودی هم از جهت حقیقی. تفاوت مسافت و متحرک آن در نقص و کمال است. به خلاف حرکت در سایر مقولات که مسافت با متحرک تباین دارد و دو چیز هستند. آیات قرآنی که بر این حرکت جوهری دلالت دارد، بسیار است؛

خصوصاً آنچه برای انسان می‌باشد. از آن جمله در باب حرکت ذاتی جوهری زمینی آیه ۸۸ سوره نمل است و حرکت ذاتی جوهری آسمانی آیه ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ﴾ (انبیاء/۱۰۴) می‌باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج: ۱، ۱۱۲).

از نظر صدرالمتألهین، حقیقت هیولی نیز همان استعداد و حدوث است که در هر لحظه فرضی، صورتی پس از صورت دیگر پدید می‌آید. چون در جسم بسیط، صورت‌ها به هم شبیه هستند، گمان می‌شود یک صورت است ولی اینگونه نیست و صورت‌هایی پی در پی و متصل به هم می‌باشند. آمدن این صورت‌ها با فاصله نیست که ترکیب زمان و مسافت بدون تقسیم لازم آید. در این میان، آیه ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾ به این حقیقت اشاره دارد (همان، ۱۳۶۰: ۸۴).

هرچند ملاصدرا حرکت جوهری را مسیری تکوینی می‌داند که تمام موجودات از دنیا تا آخرت می‌پیمایند، ولی سیاق آیه یاد شده را سیاق آیات قیامت فرض گرفته و در تفسیر آیه به حرکت جوهری در هنگام فروپاشی دنیا و آغاز قیامت توجه می‌کند و آن را مربوط به قیامت می‌داند. در شرح آیه نیز آیاتی دیگر از قرآن که به قیامت اشاره دارد را شاهد مثال می‌آورد و می‌نویسد: این آیه و آیه ﴿لَهُمْ فِي لُبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ (ق/۱۵) اشاره به تبدیل طبیعت دارد (۱۹۸۱، ج: ۳، ۱۱۱). همچنین به تجدد این عالم اشاره دارد و به نابودی عالم با از بین رفتن دنیا و قطع شدنش دلالت دارد؛ چنانکه در آیه ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (رحمن/۲۷-۲۶) به این امر اشاره شده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۲۳۰).

در ادامه با توضیح بیشتر می‌گوید: بلکه کوه‌ها مانند ابرها در جریان و سیلان و ذوب شدنی هستند که حس را به اشتباه می‌اندازد؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾ و ﴿فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ (حاقه/۱۵). پس هنگامی که پرده‌ها برداشته شود، هر چیزی را بر اصلش می‌بینی بدون غلط اندازی. پس آسمان و زمین و غیر آن دو که دارای اوضاع شخصی می‌باشد و از مواد و صورت‌ها و اعراض مختلفی ترکیب شده و به وسیله آن‌ها قسمتی از وجود برپاست، وجود محسوسی است

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوه ها... _____ عبدالله میراحمدی و زهره دانشی کهن

که برای حواس انفعالاتش ظاهر می‌باشد. ولی قسمی دیگر از وجود در این دنیا برای ما مشهود نیست و در عرصه قیامت با شعور اخروی که به نور ملکوت خداوند روشن است، مشاهده می‌شود و اصل، باطن و سرّ هر چیزی مشاهده می‌گردد. پس کوه‌ها را این چینی مشاهده می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۷۰).

ملاصدرا در موضعی دیگر با توجه به سیاق آیات قریب، چنین توضیح می‌دهد: درباره عبارت ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ اتقان آن، به بقاء ذات آن چیز در علم خداست و حفظ آن به وارد شدن است، شاهد این مدعا، آیه ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾ (ابراهیم/۴۸) است. تمام موجودات طبیعی حرکت جوهری دارند و دگرگونی از صورتی به صورت دیگر تا اینکه به سمت خدا برمی‌گردند و موجودات به نشئه دیگر دگرگون می‌شوند. اگر این طبیعت جوهری ثابت بود دیگر هویتی مستمر نداشت تا اینکه بتواند به قیامت منتقل شود و دیگر زمین به غیر زمین و آسمان به غیر آسمان تبدیل نمی‌شد- همچنانکه آیه بر این تغییرها دلالت می‌کند- و زمین در قبضه قدرت الهی در نمی‌آمد و طومار آسمان‌ها پیچیده نمی‌شد؛ چنانکه آیات ﴿وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ﴾ (زمر/۴۷) و ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ﴾ (زمر/۶۸) دلالت می‌کند بر اینکه هرآنچه که در آسمانها و زمین است با دمیدن اسرافیل در صور فانی می‌شود و از این فنا به «صعق» تعبیر کرد، نه به موت؛ زیرا در حالت بیهوشی نیز حیات از فرد بیهوش ساقط نمی‌شود (۱۳۶۰: ۸۷-۸۶).

ملاصدرا زمان را از لوازم حرکت می‌داند و حرکت را از لوازم طبیعتی که قوام آن به ماده و جسم است، به‌شمار می‌آورد. همچنین در نظرگاه وی، به اندازه خروج شیء مادی که مغایر با حرکت نیست، زمان گوید و ماهیت آن، به مقدار تجدد و انقضاء در طی مسیر است (همان، ۱۹۸۱، ج ۳: ۱۱۰-۱۱۱). این تبیین صدرا به حرکت مادی کوه‌ها در عالم دنیوی مطابقت دارد.

۴-۱- نقد انطباق حرکت جوهری بر آیه ۸۸ سوره نمل

این نظریه توسط دانشمندان اسلامی مورد نقد قرار گرفته است که برای نمونه دو مورد تحلیل و ارزیابی می‌گردد.

در مقاله «فلسفه اسلامی: هستی و چیستی»، نوشته مصطفی ملکیان، به نقد الهام‌بخشی آیات قرآن بر فلسفه پرداخته شده و آیه ۸۸ سوره نمل را برای حرکت جوهری نمی‌پذیرد. دلیل ایشان، آمدن این آیه در سیاق آیات معاد است و بحث معاد به حرکت جوهری ربطی ندارد. حال اگر به حرکت جوهری، اندک اشاره‌ای می‌داشت، باید می‌گفت: وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر الجبال؛ چرا که حرکت جوهری جبال نیز به سرعت حرکت جوهری ابرهاست (ملکیان، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

به نظر می‌رسد برخلاف رویکرد فوق می‌توان حرکت جوهری در آیه را در محدوده دنیا و حرکت تکوینی کوه‌ها را نیز در این دنیا قابل پذیرش دانست. هرچند که آیه را مربوط به قیامت نمی‌دانیم و بحثی که صدرالمتألهین مطرح کرده درباره مسیر تکاملی موجودات در نشئه آخرت با این آیه ارتباط ندارد. ایشان این احتمال را در نظر نگرفته است که امکان دارد آیه مربوط به حرکت کوه‌ها در دنیا باشد. بنابراین اگر مشکل سیاق آیات سوره نمل حل شود، حرکت جوهری نیز در محدوده حیات دنیا پذیرفته می‌شود. افزون بر این، اگر مردم آن زمان می‌دانستند که کوه‌ها حرکت می‌کنند، نیازی به این بیان نبود. بنابراین می‌توان گفت: مفعول مطلق نوعی، به معنای بیان گونه خاصی از انجام کار است و اینکه بگوییم: «وهی (الجبال) تمر مر الجبال»، اصولاً کلامی غیر بلیغ و بی‌معناست که ساحت خداوند از آن بری است.

همچنین صاحب تفسیر نمونه در ارزیابی نظریه حرکت جوهری می‌نویسد: آیه با تعبیرات حرکت جوهری سازگار نیست؛ زیرا تشبیه حرکت کوه‌ها به حرکت ابرها متناسب با حرکت در مکان (حرکت در این) است نه حرکت در جوهر، بنابراین از ظاهر این آیه فقط یک تفسیر فهمیده می‌شود و آن حرکت مکانیکی زمین (به دور خودش یا به دور خورشید) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷۰-۵۶۹). برخی از محققان نیز با این استدلال که حرکت جوهری،

حرکتی است دنیوی که اجسام در جهان طبیعت دارند، واژگان موجود در آیه را نیز با دیدگاه ملاصدرا در تضاد می‌دانند. چنانکه معنای کلمه «مرّ»، حرکت مکانی است که یکی از حرکت‌های عرضی است. بنابراین، آیه در حرکت مکانی ظهور دارد، نه حرکت جوهری و قرینه‌ای برای دست برداشتن از معنای ظاهری آیه وجود ندارد (ارشاد ریاحی، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹). در بررسی این نظر می‌توان گفت: اگر ملاصدرا حرکت ذاتی جوهری را زیر مجموعه حرکت تکوینی موجودات در نظر گرفته باشد، حرکت کوه‌ها نیز حرکتی تکوینی است. کوه‌ها نیز - طوعاً أو کرهاً - به فرمان الهی سر تسلیم فرود می‌آورند و با هدایت الهی مسیر کمال را در نظام احسن طی می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد، صدر المتألهین با بیان فلسفی خود، تفسیری صحیح از حرکت کوه‌ها در نظام آفرینش بیان کرده است. بنابراین دیدگاه وی در حدّی که بتوان آن را زیر مجموعه حرکت کوه‌ها در حیات دنیا به حساب آورد، قابل قبول است. تنها اشکال دیدگاه ایشان، خلط آیات مربوط به دنیا و آیات مربوط به قیامت در سیاق آیات سوره نمل و عدم جداسازی آیات واقع در یک سیاق می‌باشد؛ ولی از جهت تطبیق نظریه حرکت جوهری کوه‌ها به آیه فوق مانعی دیده نمی‌شود.

۵- دیدگاه‌های مفسران در رد یا تأیید نظریه حرکت جوهری ملاصدرا

اکنون به دیدگاه‌های مختلف مفسران درباره آیه ۸۸ سوره نمل می‌پردازیم و چگونگی ترکیب سیاقی آیه را از دیدگاه ایشان مورد توجه قرار می‌دهیم.

۵-۱- دیدگاه‌های مبتنی بر دیدگاه‌های تجربی در رد نظریه ملاصدرا

برخی مفسران که بیشتر از متأخران هستند، برخلاف ملاصدرا، این آیه را به حرکت فعلی کوه‌ها در دنیا تفسیر کرده و آن را از مواهب طبیعی خداوند به شمار آورده‌اند. هرچند، تفاوت جزئی در دیدگاه‌های مفسران دیده می‌شود. همچنین هرکدام در توضیح نظریه خود دلایلی را بیان کرده‌اند که به آن اشاره می‌شود.

از نظر برخی مفسران، حرکت کوه همراه با حرکت زمین است و در عالم دنیا این حرکت همواره واقع می‌شود. مهم‌ترین دلیل مفسران معاصر و نظر صاحب تفسیر نمونه، به شرح زیر است:

ایشان حرکت کوه‌ها در این آیه را همان حرکت زمین در دنیا تلقی می‌کند؛ زیرا کوه‌ها از زمین جدا نیستند و به این ترتیب آیه را اینگونه معنا می‌کند: زمین با سرعت حرکت می‌کند، همچون حرکت ابرها. برای تأیید نظر خود نیز دلایلی را می‌آورد.

۱- از جمله آنکه، تعبیر آیه ۸۸ نمل با حوادث شروع قیامت سازگار نیست؛ زیرا آن حوادث به قدری آشکار است که به تعبیر آیه دوم سوره حج از دیدن آن، مردم از ترس و وحشت زیاد همچون مستانند؛ در حالی که مست نیستند و عذاب خداوند شدید است در حالی که آیه موردنظر سخن از حرکتی نامحسوس دارد. در واقع تشبیه حرکت کوه‌ها به حرکت ابرها با حرکات یکنواخت، غیرمحسوس و بدون سر و صدا متناسب است، نه انفجارهای بزرگ قیامت.

۲- همچنین کاربرد واژه «اتقان» به معنی منظم ساختن و محکم نمودن، با زمان برقراری نظام جهان تناسب دارد، نه زمانی که این نظام برپایه می‌شود و متلاشی و ویران می‌گردد.

۳- همچنین با توجه به اینکه کلمه «تفعلون» در عبارت پایانی آیه شریفه ﴿إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾، فعل مضارع است، نشان می‌دهد که این آیه مربوط به دنیا است؛ زیرا اینگونه معنا می‌دهد: «او از اعمالی که شما در حال و آینده انجام می‌دهید با خبر است» و اگر آیه مربوط به قیامت و پایان این جهان بود باید با فعل ماضی می‌گفت: «ما فعلتم»، (کاری که انجام دادید).

۴- ایشان با توجه به سیاق و آیات پیشین، چنین می‌نویسد: از مجموع این قرینه‌ها چنین استفاده می‌شود که این آیه یکی دیگر از عجائب خلقت را بیان می‌کند و شبیه چیزی است که در دو آیه قبل آمده: ﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ﴾.

۵- در پایان نیز، با نگاهی فراتر به سیاق سوره، چنین بیان می‌کند: بنابراین آیات مورد بررسی، بخشی درباره توحید و قسمتی دیگر درباره معاد است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷۰-۵۶۹).

به نظر صاحب تفسیر معارج التفکر، این آیه به حرکت ذره‌های درون کوه‌ها نیز اشاره دارد. با این توضیح که آیه به صفتی از صفات ربوبی خداوند اشاره دارد. منظور از این حرکت هم حرکت عنصرها و ذرات درون ماده و الکترون‌هاست و هم به حرکت زمین مرتبط می‌شود (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۹: ۱۹۸-۱۹۷).

برخی از مفسران نیز، به طور مطلق زمان این حرکت را مربوط به عالم دنیا می‌دانند و درباره جزئیات این حرکت شرحی نداده‌اند. چنانکه تستری، در ضمن بیانی اخلاقی، حرکت کوه را برای دنیا می‌داند. از نظر وی، خداوند با مثال حرکت کوه‌ها در دنیا، بندگان را متنبه می‌کند به گذر زمان، تمام شدن وقت در حالی که در غفلتند (۱۴۲۳، ج ۱: ۱۱۷). ابن عبدالسلام نیز، در تعبیری مشابه و با رویکردی تربیتی چنین می‌نویسد: دنیا در گذر است، درحالی که فکر می‌کنی ایستاده، مانند کوه‌ها که رو به نابودی است و یا ایمان که به سمت آسمان بالا می‌رود، در حالی که گمان می‌کنی در قلب ثابت است (۱۴۲۹، ج ۲: ۴۸).

شهید مطهری نیز، حرکت کوه‌ها را مربوط به دنیا دانسته است. ایشان از آنجا که به سیاق آیات دقت کافی نداشته، پس به انکار سیاق یا همان «نفی وحدت سیاق» نظر داده است (۱۳۷۲، ج ۱۱: ۵۷۳).

ربانی شیرازی، پس از تعریف حرکت جوهری و تطبیق آن بر آیه ۸۸ سوره نمل، با توجه به معنای لغوی «جامد» که چیزی است که رشد و نمو و حیات ندارد، نمو و جمود در حرکت را دینامیکی و درونی می‌داند و چنین می‌نویسد: حرکت و سکون ازلیت در حرکت مکانیکی است. آیه نمی‌فرماید: کوه‌ها را ساکن می‌بینی، بلکه می‌گوید: کوه‌ها را می‌بینی و می‌پنداری که جامد است؛ یعنی می‌پنداری بدون رشد و نمو و حرکت دینامیکی و درونی است. در حالی که اینگونه نیست. تکوّن جمادات و معادن و به کمال رسیدن آن، نیاز به گذشت دوران طولانی و زمان دارد. این حرکت درونی، همان صنع و سازندگی خداست که به وسیله آن، هر چیزی را اتقان و استحکام بخشیده و تحوّل هر چیزی به وسیله حرکت می‌باشد. از این قانون بدست می‌آید که صنع خدا یا همان حرکت، بر تمام اجزاء عالم طبیعت حاکم و همین صنع، سبب سازندگی و حرکت است و کوه‌ها از صغریات همین کبری و قانون کلی است. ایشان

سپس نتیجه می‌گیرد که منظور آیه، حرکت مکانی و مکانیکی نیست، بلکه حرکت درونی و دینامیکی زمین است. حال آنکه اگر حرکت مکانی مراد باشد، کلمه «جامد» به معنای مجازی آن بکار رفته است؛ در حالی که ما معنای حقیقی آن را مدنظر گرفتیم. ملاصدرا نیز وجه استفاده حرکت جوهری از آیه را ذکر نکرده است (۱۳۹۸: ۲۰۶-۲۰۴).

استاد جوادی آملی نیز در تأیید نظر ملاصدرا، آیه مورد بحث را بر حرکت انتقالی زمین و حرکت جوهری، قابل تطبیق و از طرفی بر حوادث آستانه قیامت نیز ناظر دانسته است (دروس تفسیر آیت الله جوادی، تفسیر سوره نمل، جلسه ۲۴، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴، ذیل آیه ۸۶ تا ۸۸ سوره نمل).

صاحب کتاب «معجزة القرآن» درباره اینکه چرا حرکت کوه‌ها به مرور ابرها مثال زده شده است؛ چنین می‌گوید: زیرا حرکت ابرها ذاتی و بنفسه نیست، بلکه به واسطه باد حرکت می‌کنند. همچنین است حرکت کوه‌ها که حرکتی بنفسه ندارند، بلکه حرکت آن‌ها تابع حرکت زمین است که به دور خود می‌چرخد (شعراوی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۹۱).

۵-۱-۱- ارزیابی

صاحب تفسیر نمونه نیز، میان آیات هنگام وقوع قیامت مقایسه‌ای انجام داده که نشان می‌دهد مجموع آیات قیامت نشان دهنده وقوع وقایعی هولناک و وحشتناک است که برای همه مشهود است و اینگونه نیست که کسی متوجه وقوع آن نشود. بنابراین آیه ۸۸ سوره نمل که بیانگر حرکت نامحسوس کوه‌هاست، با مجموع آیات قیامت سازگار نیست. در نتیجه نمی‌توان این آیه را مربوط به قیامت دانست. طبق دیدگاه‌های جدید زمین‌شناسی، پوسته‌های زمین حرکت‌هایی در جهات مختلف دارند و در اثر حرکت‌هایی که گاه سبب نزدیکی دو پوسته به یکدیگر می‌شود، کوه‌ها شکل می‌گیرد و سبب استحکام پوسته زمین می‌شود.

سعیدی رضوی، در مقاله «دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مورد کره زمین»، می‌نویسد: «از مفهوم این آیه به نظریه تکتونیک صفحه‌ای^[۱] یا شکاف می‌رسیم که شامل ۷ صفحه اصلی و ۹ صفحه کوچکتر می‌باشد که در قرن بیستم و سال‌ها پس از نزول قرآن کشف

شده است. این نظریه پوسته زمین را متشکل از صفحه‌هایی می‌داند که نسبت به یکدیگر ثابت نیستند و دائماً در حال حرکت‌های دورشونده (ایجاد پوسته جدید)، حرکت‌های نزدیک شونده (کوه‌زایی) و حرکت‌های لغزشی می‌باشند» (۱۳۹۳: ۹۹).

از نظر برخی محققان، نظریه زمین‌ساخت یا تکتونیک صفحه‌ای تا حد زیادی با مفاد آیه و استمرار موجود در فعل «تری»، تطبیق دارد. مطابق این نظریه، پوسته زمین به انضمام قسمت بالایی گوشته فوقانی، قسمت سخت زمین را تشکیل می‌دهد و جمعا «سنگ‌کره» یا «لیتوسفر» خوانده می‌شود. لیتوسفر، بر روی قسمت میانی گوشته فوقانی، موسوم به «سست‌کره» یا «استنوسفر» که حالت خمیری دارد، واقع شده و ضخامت آن به طور متوسط ۱۰۰ کیلومتر است. نکته مهمی که اساس این نظریه را تشکیل می‌دهد آن است که لیتوسفر یکپارچه نیست؛ بلکه از صفحات مجزایی موسوم به صفحات لیتوسفر تشکیل یافته است. با توجه به کروی بودن زمین، به سهولت درمی‌یابیم که این صفحات مستوی نیستند؛ بلکه در حقیقت به شکل عرقچین‌های کروی هستند (دیاری بیدگلی، علیزاده و شعاعی، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۴).

شهید مطهری نیز، مؤید نظریه خویش بر نفی وحدت سیاق در این مقام را آیه تطهیر بیان کرده که مابین سیاق درباره زنان نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است و قرینه تغییر ضمیر از مؤنث به مذکر دارد (۱۳۷۲، ج ۱۱: ۵۷۳)؛ در حالی که در آیه مورد بحث، قرائن کافی بر خروج آیه از وحدت سیاق موجود نیست و برعکس قرائن بر تأیید آن داریم که در پژوهش حاضر توضیح آن آمد.

در ارزیابی نظریه ربانی شیرازی می‌توان گفت: حرکت کوه‌ها به حرکت ابرها تشبیه شده است و ما جابجایی مکانی را در حرکت ابر مشاهده می‌کنیم. پس امکان حرکت مکانی برای کوه‌ها باقی است و حرکت درونی و جابجایی تدریجی صفحات زمین می‌تواند جزئی از حرکت مکانی کوه‌ها باشد.

درباره دیدگاه استاد جوادی آملی به نظر می‌رسد ایشان به نظر واحدی دست نیافته‌اند و هر دو دیدگاه را محتمل دانسته‌اند. همچنین استناد حرکت انتقالی زمین به کوه‌ها بعید

به ذهن می‌رسد و نسبت آن به زمین واضح‌تر از نسبت آن به کوه است؛ زیرا اگر قرار باشد کوه‌ها را به این دلیل که جزئی از زمین محسوب می‌شود و زمین دارای حرکت وضعی و انتقالی است، متحرک بدانیم، پس همه چیز خواه ثابت یا متحرک باشند، متحرک تلقی می‌شوند. ابرها نیز از این حیث متحرک خواهند بود و چه بسا سرعت حرکتشان از این جهت بیش از سرعتشان در جو زمین است.

شعراوی نیز، به حرکت انتقالی زمین به دور خود اشاره کرده است. همانگونه که بیان شد این حرکت، مخصوص زمین است و نسبت دادن آن به مورد خاص مانند کوه، وجهی ندارد.

۵-۲- دیدگاه‌های مؤید نظریه ملاصدرا بر حرکت کوه‌ها در آستانه قیامت

مفسرانی نیز همچون ملاصدرا، آیه ۸۸ سوره نمل را مربوط به نشانه‌های وقوع قیامت می‌دانند. در این میان، برخی مفسران که بیشتر از متقدمان هستند، این نظر را پذیرفته و برای آن دلایلی را بیان کرده‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۸۳؛ ابن‌ابی‌زمین، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۰۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۵۱۹؛ نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۳۷؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۰۸؛ جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۴۱۶).

به‌طور کلی مفسرانی که مضمون آیه را مربوط به قیامت می‌دانند، میان این آیه و دیگر آیات قیامت شباهت قائل هستند. چنانکه ابن‌کثیر، آیه ۸۸ سوره نمل را شبیه آیه ﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مُمْرًا وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا﴾ (طور/۹-۱۰)، می‌داند (۱۴۱۵، ج ۶: ۱۹۶). به‌نظر علامه طباطبایی نیز میان مضمون آیه ۸۸ سوره نمل و آیه ﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا وَ سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ (نبا/۲۰) تشابه کلی وجود دارد (۱۴۱۷، ج ۱۵: ۴۰۱-۴۰۲).

در نظر برخی از مفسران نیز در آیه فوق، کوه‌ها به ابر تشبیه شده‌اند. صاحب‌انوار التنزیل و بحر المحيط، حرکت کوه‌ها را مربوط به قیامت دانسته و تشبیه حرکت کوه‌ها به حرکت ابرها را اینگونه مستدل می‌کنند: زیرا اجرام بزرگ وقتی به سمتی به حرکت درآیند، آن حرکت آشکار نمی‌شود (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۱۶۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۸: ۲۷۳). آلوسی نیز چنین می‌نویسد: تشبیه کوه‌ها به ابر، از آن جهت است که کوه‌ها نیز مانند ابرها

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوه ها... _____ عبدالله میراحمدی و زهره دانشی کهن

اجزایشان فراخ و پاره پاره و مانند پشم زده شده، می شود؛ شاهد این مدعا آیه ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمُنفُوشِ﴾ (قارعه/۵) است (۱۴۱۵، ج ۱۰: ۲۴۵-۲۴۴).

علامه طباطبایی نیز درباره عبارت ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ﴾، آن را شبیه آیه ﴿وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى﴾ (حج/۱) دانسته که در آن خطاب به رسول خدا (ص) است و مراد از آن مجسم کردن واقعه قیامت است (۱۴۱۷، ج ۱۵: ۴۰۱-۴۰۲).

ماتریدی نیز، با استناد به اقوال مفسران به ویژه تفاسیر روایی حرکت کوه ها را در قیامت می داند. او ابتدا چند قول را در تفسیرش نقل کرده است. چنانکه با استناد به سخن ابن عباس می نویسد: برخی گفته اند به دلیل زیادی و حجیم بودن ابر، بیننده آن را ساکن و جامد می بیند. ثعلبی و واحدی نیز این قول را پذیرفته اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷: ۲۲۹؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۸۱۱) که کوه ها نیز این چنین هستند. او در ادامه با استناد به قول گروهی، می نویسد: برخی دیگر گفته اند: به دلیل هول و فزع روز قیامت، کوه ها هم مثل ابرها حرکت می کنند. در ادامه چنین می آورد: بعضی گفته اند: به خاطر شدت آن روز و هول و فزع آن بر مردم گمان می کنید، جامدند. در پایان نیز می گوید: آنچه آیات ذکر کرده اند به دلیل هول و شدت آن روز بر مردم است تا پند بگیرند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۸: ۱۴۲ و ۱۴۱). با مراجعه به تفاسیر فریقین درمی یابیم که برخی از مفسران زمان خاصی از قیامت را برای حرکت کوه ها معین کرده اند. چنانکه برخی، زمان آیه را نفخ صور دانسته اند (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۷۹). گروهی نیز به طور جزئی آن را مربوط به نفخ اول دانسته اند (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۱۷). ابن جوزی نیز، به نقل از ابن قتیبه آن را به نفخ صور مرتبط می کند (۱۴۲۲، ج ۳: ۳۷۲). آلوسی نیز، فعل ﴿تَرَى﴾ را مربوط به وقت نفخ در صور در زمان قیامت می داند و درباره اینکه مربوط به کدام نفخ است، اقوالی را ذکر می کند (۱۴۱۵، ج ۱۰: ۲۴۴ و ۲۴۵). بر اساس این نظر، واو در ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ﴾، عطف بر ﴿يُنْفَخُ فِي الصُّورِ﴾ است و آیه، یکی از احوال روز قیامت را همین حرکت کوه ها برشمرده است (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۰: ۳۶۲). ابن ابی حاتم نیز، با استناد به روایتی که ابوهریره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، حرکت کوه ها را مربوط به قیامت می داند (۱۴۱۹، ج ۹: ۲۹۳۳).

همچنین پیرامون عبارت ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ﴾، مفسران نظراتی دارند؛ از جمله اینکه عبارت ﴿صُنِعَ اللَّهُ﴾ را متعلق به نفخ صور می‌دانند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۸۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۵۷۴). اضافه شدن الله به مصدر، در ﴿صُنِعَ اللَّهُ﴾ مانند ﴿وَعَدَ اللَّهُ﴾ و ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ﴾، در واقع برای تعظیم و بزرگداشت چیزی است که با نام خدا نشانه‌گذاری شده است. همچنانکه بعدشان آمده ﴿الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ﴾، ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ و ﴿لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾ (درویش، ۱۴۱۵، ج ۷: ۲۶۵). بر این اساس تقدیر جمله چنین است: «صنع الله ذلك صنعا». در این صورت، اضافه مصدر به فاعل خود محسوب می‌شود.

معنای ﴿أَتَقَنَّ﴾ نیز عبارت است از: محکم و استوار درست کرده است. همه چیز را منظم و به تمام و کمال آفریده است (خرم‌دل، ۱۳۸۴، ج ۱: ۸۱۱). صاحب مجمع‌البیان نیز، در توضیح این عبارت، قول قتاده را آورده که گفته است: «یعنی هر چیزی را به نیکی آفریده است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۷۰). ابن کثیر که این آیه را مربوط به قیامت می‌داند در توضیح عبارت ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ﴾، چنین می‌نویسد: یعنی خداوند با قدرت عظیمش هر چیزی را محکم ساخت و حکمتی را در آن به ودیعه گذاشت. اوست که به افعال خیر و شر بندگان آگاه است (۱۴۱۵، ج ۶: ۱۹۶).

از نظر برخی از مفسران، اگر آیه درباره قیامت و برپا شدن بساط عالم دنیا سخن می‌گوید، این پرسش مطرح است که چگونه در آیه از اتقان هر چیزی سخن به میان آمده؟ و این تضاد ظاهری چگونه رفع می‌گردد؟ حال آنکه جمله ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ﴾، اشاره‌ای است به اینکه تخریب و ویرانی عالم از خدای تعالی خودش صنع و عمل محسوب می‌شود، ولی چون تکمیل آن را به دنبال دارد و مستلزم اتقان نظام عالم است، نظامی که در آن هر چیزی به منتها درجه کمال خود می‌رسد و گاهی این کمال، سعادت و گاهی شقاوت است و زمینه‌اش را پیشتر فراهم کرده بود، از این رو این ویرانی را صنع و خلقت نامید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۴۰۱-۴۰۲). همچنین عبارت ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ﴾ برای نشان دادن این موضوع است که پیدایش قیامت به معنای

اخلال در نظام عالم و فساد همه موجودات نیست، بلکه در آن حکمتی نهفته است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۲۴۵-۲۴۴).

علامه طباطبایی، عبارت پایانی آیه «إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» را با توجه به سیاق آیه اینگونه تبیین می‌کند: مناسب‌تر با سیاق این است که کلمه «يَوْمَ يُنْفَخُ» را ظرف برای جمله «إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» بگیریم و کلمه «تفعلون» را هم با یا بخوانیم و «تفعلون» نخوانیم، هر چند که در قرائت متعارف با تاء خطاب آمده و آن وقت معنا چنین می‌شود: خدا به آنچه اهل آسمان‌ها و زمین می‌کنند در روزی که در صور دمیده می‌شود و همه با خواری نزدش می‌آیند، دانا و با خبر است (۱۴۱۷، ج ۱۵: ۴۰۱-۴۰۲).

۵-۲-۱- ارزیابی

از آنجا که این مفسران رویکرد آیه ۸۸ سوره نمل را همانند ملاصدرا مربوط به قیامت می‌دانند، بر این باورند که میان این آیه و آیات قیامت که ذکر شد، مشابهت است. البته از این جهت شباهت وجود دارد که همگی به سرعت سیر کوه‌ها اشاره دارند.

درباره وجه شبه در تشبیه کوه‌ها به ابر، نویسندگان تفاسیر انوار التنزیل و بحر المحيط، در واقع نامحسوس بودن این دو حرکت را وجه شبه گرفته‌اند که اجسام بزرگ وقتی حرکت می‌کنند، آن حرکت برای همگان آشکار، محسوس و قابل رؤیت نیست. به نظر، این دلیل به حرکت کوه‌ها در قیامت اختصاص ندارد و از همین وجه شبه برای حرکت کوه‌ها در دنیا هم، می‌توان استفاده کرد.

در گفتار آلوسی وجه شبه پاره پاره شدن ابرها و کوه‌هاست، فعلی که برای حرکت ابرها استفاده شده «تَمَرُّ» است از ریشه «م ر ر» به معنی رفتن، گذشتن، عبور کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۳) و رفت و آمد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۶۵) و از آن پاره پاره شدن ابرها استفاده نمی‌شود.

آنچه موجب شده برخی مفسران حرکت کوه‌ها را مربوط به آخرت بدانند، آن است که حرکت کوه در نظرگاهشان فرض وقوع نداشته است. حال آنکه باید توجه داشت که

قرآن از «جمود» و «مرور» استفاده کرده است نه از «سکون» و «حرکت». در این میان، ابرها به دلیل ماهیتشان که گاز یا مایع هستند، می‌توانند از جایی به جای دیگر عبور کنند؛ در حالی که کوه‌ها از نظر این دسته از مفسران، همچون درخت که به دلیل ریشه داشتن در زمین ثابت است، در زمین ریشه دارند و ثابت هستند.

عبارت آغازین آیه «وَتَرَى الْجِبَالَ» که واو آن حالیه است، درحالی که کوه‌ها را می‌بینی؛ می‌تواند هم اکنون دیدن کوه‌های در حال حرکت را جلوی چشمان نبی اکرم (ص) متجسم کند، نه اینکه مربوط به قیامت باشد. یعنی هم اکنون در دنیا می‌توانید حرکت کوه‌ها را ببینید و آن را ساکن نپندارید و از این آیت بزرگ و با عظمت الهی به نشانه‌های توحید او، راه یابید و از گمراهی و ضلالت نجات پیدا کنید.

دلایلی که مفسران در بیان عظمت خلقت کوه‌ها در عبارت «صُنِعَ اللَّهُ» بیان کرده‌اند، نشان از بزرگی و عظمت خداست که هم اکنون مخلوقات بزرگ مانند کوه‌ها را آفریده است و این دلایل با حرکت کوه‌ها در دنیا مخالفتی ندارد. قول قتاده، مربوط به آفرینش است و نمی‌تواند دلیلی برای قیامت باشد، مگر آنکه قرینه‌ای در سخن او باشد که چنین برداشتی شود. به طور کلی، ایراد مفسران آن است که «مرور کوه» را ملازم فروپاشی و تباهی آن دانسته‌اند؛ حال آنکه کلام خداوند به هیچوجه چنین معنایی را نمی‌رساند.

دلایلی که علامه طباطبایی و آلوسی برای رفع تضاد ظاهری میان برجیده شدن نظام عالم هستی در دنیا و اتقان و استحکام در خلقت هر چیز آورده‌اند، قابل پذیرش نیست؛ زیرا از نشانه‌های قیامت در آیات دیگر قرآن، چنین استفاده می‌گردد که کوه‌ها همچون پشم زده شده و سراب نابود می‌شوند و این با اتقان هر چیز که در آیه آمده قابل جمع نیست. همچنین این نوع ربط با زبان عرف مردم سازگار نیست و در واقع به جای تفسیر، تأویلی دور از ذهن محسوب می‌شود. درحالی که اگر این حرکت را مربوط به حرکت کنونی کوه‌ها در دنیا بدانیم، به خوبی بحث اتقان و استحکام کوه‌ها در حفظ حیات کره زمین و فواید بسیار کوه‌ها در تولید بادها و غیره قابل استدلال است.

بنابراین طبق سیاق آیات، در تفاسیری مانند المیزان، نشانه شب و روز را مربوط به دنیا دانسته‌اند، نه قیامت؛ حال آنکه نشانه‌های شب و روز میان آیات قیامت آمده است. حرکت کوه‌ها را نیز می‌توان مربوط به دنیا دانست، چرا که کوه‌ها نیز با داشتن اتقان و استحکام در آفرینش، حرکت‌های نامحسوسی همچون حرکت باده‌ها دارند. بنابراین صرف اینکه آیه مربوط به کوه‌ها در میان آیات معاد آمده است، دلیل بر حرکت آن‌ها در قیامت نیست و مخالفت با سیاق محسوب نمی‌شود. همچنین ربط آخر آیه به آیات ابتدای سیاق، معلوم و مشخص می‌شود. به این ترتیب، پیچیدگی‌های سیاق آیات رفع می‌شود و مطالب با نظمی خاص به شکل شیوا و گویا مشخص می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱- پس از بررسی سیاق آیات ۷۶ تا ۹۰ سوره نمل، این نتیجه بدست آمد که خداوند برای ایمان آوردن و تسلیم شدن اهل کتاب و همچنین مؤمنان، آیات و نشانه‌هایی را بیان کرده که یکی از آن‌ها حرکت کوه‌ها در سیر طبیعی و تکوینی آن‌هاست. همانطور که به آفرینش شب و روز قبل از آن اشاره کرد. این دو نشانه که دانستن آن سبب می‌شود که هرکسی در برابر عظمت آیات خداوند سر تسلیم فرو آورد، در میان نشانه‌های بزرگ هنگامه وقوع قیامت قرار گرفت و با صنعت التفات ربط آیات در سیاق به خوبی مشخص می‌شود. در این میان، مفسرانی مانند علامه طباطبایی محدوده سیاق را دقیق تشخیص نداده است. شهید مطهری نیز به ناچار برای رفع تناقض آیه و سیاق آن، به نفی وحدت سیاق قائل شده است.

۲- دیدگاه حرکت جوهری ملاصدرا به ظاهر نظریه‌ای جداگانه با رویکرد مفسرانی است که حرکت کوه‌ها را مانند آمدن شب و روز، مربوط به دنیا می‌دانند. همچنین چندان نزدیک با دیدگاهی نیست که حرکت کوه‌ها را مربوط به حرکت کوه‌ها در آستانه قیامت و فروپاشی آن‌ها تلقی کرده‌اند. به طور کلی، اگر صدرالمتألهین حرکت ذاتی جوهری را

زیر مجموعه حرکت تکوینی موجودات در نظر گرفته باشد، حرکت کوه‌ها نیز حرکتی تکوینی است و می‌توان حرکت جوهری در آیه را در محدوده دنیا قابل پذیرش دانست. هرچند که ایشان زمان آیه را مربوط به قیامت می‌داند و آن را درباره ادامه مسیر تکاملی موجودات، مانند کوه‌ها در نشئه آخرت تلقی می‌کند.

۳- به طور کلی، مفسران با رویکردی خطا، مرور کوه‌ها را ملازم فروپاشی و از میان رفتن کوه‌ها در قیامت گرفته‌اند. از سویی دیگر، اشکال عمده مفسرانی که حرکت کوه‌ها را مربوط به زمان قیامت تلقی کرده‌اند، عدم دقت در سیاق درون آیه‌ای است. چنانکه زمان وقوع حرکت کوه‌ها در دو عبارتی که درون آیه مورد بحث آمده، در یک زمان است. بر این اساس، از آنجا که حرکت کوه‌ها در عبارت «تحسبها جامده» در دنیا است؛ پس حرکت کوه‌ها در عبارت «و هی تمر مر السحاب» نیز در دنیا صورت می‌گیرد. بنابراین، آیه شریفه می‌خواهد به سرعت حرکت کوه‌ها همانند حرکت ابرها در ظرف زمان دنیا آگاهی‌بخشی نماید، زیرا مردم عصر نزول به حرکت کوه‌ها واقف نبودند. بر این مبنا، عبارت «تحسبها جامده» و «و هی تمر مر السحاب» با ووا حالیه، مربوط به عالم دنیا است؛ نه قیامت. تعبیر «اتقان صنع» نیز، نتیجه همین تعارض ظاهری یعنی حرکت سریع باطنی کوه‌ها در عین ایستایی ظاهری آن‌هاست.

تحقیق درباره تطبیق مرور کوه‌ها به نحوه شکل‌گیری کوه‌ها و تطبیق این حرکت بر چین‌خوردگی‌ها، حرکت مواد مذاب هسته زمین، خروج گدازه‌های آتشفشانی، فعالیت‌های فرسایشی باد و باران و غیره، به‌طور مفصل به محققان دیگر پیشنهاد می‌شود.

۷- پی‌نوشت

۱- نظریه تکتونیک صفحه‌ای "Plate Tectonic" که در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ تدوین شده، پدیده‌ای است که حرکت سطح زمین را در طول زمان از ژرف‌ترین گودال‌های اقیانوسی تا بلندترین کوه‌ها توضیح می‌دهد. بر اساس این نظریه، پوسته بیرونی زمین به تخته‌های بزرگی از صخره‌های سخت به نام صفحات تفکیک شده که بر روی جبه زمین می‌توانند بلغزند. جبه، لایه سنگی درونی‌تر است که

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوه ها... _____ عبدالله میراحمدی و زهره دانشی کهن

بالای هسته زمین قرار دارد. لایه سخت بیرونی زمین که شامل پوسته و جبه بیرونی است، «لیتوسفر» نامیده می‌شود. این لایه حدود ۱۰۰ کیلومتر ضخامت دارد. زیر لیتوسفر، «آستنسفر» قرار دارد که یک لایه لزج است که به واسطه حرارت عظیم درون زمین به صورت لغزنده درآمده است. این لایه سطح زیرین صفحات پوسته زمین را روانکاری می‌کند و به لیتوسفر امکان می‌دهد، بر روی آن بلغزد. (Means, (2024), What is plate tectonics?, <https://www.livescience.com>)

۸- منابع

* قرآن کریم

- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).
- ۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز، (۱۴۱۹ق).
- ۳- ابن ابی زینین، محمد بن عبدالله، تفسیر ابن ابی زینین، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۴ق).
- ۴- ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شركة دارالأرقم، (۱۴۱۶ق).
- ۵- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۱۹ق).
- ۷- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۱ق).
- ۸- ابن سینا، حسین بن عبدالله، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۹ش).
- ۹- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ، (۱۴۲۰ق).
- ۱۰- ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، تفسیر العز بن عبد السلام، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۹ق).
- ۱۱- ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۱۲- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۳ق).

- ۱۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۱۴- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، (۱۴۰۸ق).
- ۱۵- ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۱۶- ارشد ریاحی، علی، «نقدی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا و تأثیر آن در فهم او از آیات قرآن»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، دوره ۳۹، شماره ۷۸، (۱۳۸۴ش).
- ۱۷- بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی، (۱۳۷۵ش).
- ۱۸- بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۱۹- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).
- ۲۰- تستری، سهل بن عبدالله، *تفسیر التستری*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۳ق).
- ۲۱- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۲۳- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، اردن: دارالفکر، (۱۴۳۰ق).
- ۲۴- جوادی آملی، عبدالله، *دروس تفسیر قرآن*، <https://javadi.esra.ir>
- ۲۵- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین، (۱۳۷۶ق).
- ۲۶- خامه‌گر، محمد، *ساختار هندسی سوره های قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل، (۱۳۸۶ش).
- ۲۷- درویش، محی‌الدین، *إعراب القرآن الکریم و بیانه*، حمص: الارشاد، (۱۴۱۵ق).
- ۲۸- دیاری بیدگلی، محمدتقی، عزیزاده، حسن و شعاعی، علی‌اصغر، «حرکت کوه‌ها از منظر قرآن کریم و علم زمین‌شناسی»، *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن*، سال ۳، شماره ۵، (۱۳۹۳ش).
- ۲۲- دینوری، عبدالله بن محمد، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۴ق).

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوه ها... _____ عبدالله میراحمدی و زهره دانشی کهن

۲۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم، (۱۴۱۲ق).

۳۰- _____، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و

ادبی قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، (۱۳۶۹ش).

۳۱- ربانی شیرازی، عبدالرحیم، حرکت طبیعی از دیدگاه دو مکتب، تهران: انتشارات حکمت،

(۱۳۹۸ق).

۳۲- رجبی، محمود، روشها و گرایش های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۳ش)

۳۳- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه

التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).

۳۴- _____، مقدمة الأدب، تهران: موسسه مطالعات اسلامی، (۱۳۸۶ش).

۳۵- سعیدی رضوی، بهزاد، «دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مورد کره زمین (مطالعه موردی؛

زمین شناسی)»، مجله سراج منیر، سال ۵، شماره ۱۵، (۱۳۹۳ش).

۳۶- سلمی، محمد بن حسین، حقائق التفسیر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۶۹ش).

۳۷- سلوی، محمد العوا، بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی،

مشهد: به نشر، (۱۳۸۲ش).

۳۸- سهروردی، شهاب الدین یحیی (شیخ اشراق)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تهران: موسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، (۱۳۷۵ش).

۳۹- سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۶ق).

۴۰- شعراوی، محمد متولی، معجزة القرآن، قاهره: دار اخبار الیوم، (۱۴۲۲ق).

۴۱- صافی، محمود، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة، دمشق:

دار الرشید، (۱۴۱۸ق).

۴۲- صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی الطهرانی،

(۱۴۱۹ق).

۴۳- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم: بیدار، (۱۳۶۶ش).

۴۴- _____، اسرار الآیات، تهران: انجمن حکمت و فلسفه، (۱۳۶۰ش)

- ۴۵- -----، *الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة*، بيروت: دار احياء التراث، (۱۹۸۱م).
- ۴۶- -----، *الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية*، مشهد: المركز الجامعي للنشر، (۱۳۶۰ش).
- ۴۷- -----، *العرشية*، تهران: انتشارات مولی، (۱۳۶۱ش).
- ۴۸- صلیبا، جمیل، *فرهنگ فلسفی*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: انتشارات حکمت، (۱۳۶۶ش).
- ۴۹- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، (۱۴۱۷ق).
- ۵۰- -----، *تفسیر البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن*، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، (۱۴۲۷ق).
- ۵۱- -----، *الإعجاز و التحدی*، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۴۲۳ق).
- ۵۲- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۵۳- -----، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۴۱۲ق).
- ۵۴- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بيروت: دارالمعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۵۵- طریحی، فخر الدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، (۱۳۷۵ش).
- ۵۶- طنطاوی، محمد سید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: نهضة مصر، (۱۹۹۷م).
- ۵۷- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بيروت: دار إحياء التراث العربی، (بی‌تا).
- ۶۱- علوی‌مهر، حسین، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، (۱۳۸۴ش).
- ۶۲- غفاری، سید محمد خالد، *فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۰ش).
- ۵۸- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بيروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

واکاوی نظریه حرکت جوهری ملاصدرا درباره زمان حرکت کوه ها... _____ عبدالله میراحمدی و زهره دانشی کهن

- ۵۹- قرضاوی، یوسف، قرآن منشور زندگی، تهران: احسان، (۱۳۸۲ش).
- ۶۰- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الاشارات، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، (۲۰۰۰م).
- ۶۳- ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۶ق).
- ۶۴- مستفید، حمیدرضا، تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۸۴ش).
- ۶۵- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: صدرا، (۱۳۷۲ش).
- ۶۶- معرفت، محمد هادی، تناسب آیات، ترجمه عزت الله مولائی نیا همدانی، قم: بنیاد معارف اسلامی، (۱۳۷۳ش).
- ۶۷- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۳ق).
- ۶۸- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، (۱۳۷۴ش).
- ۶۹- مکی بن حموش، الهدایة إلى بلوغ النهایة، شارجه: جامعة الشارقة، (۱۴۱۲ق).
- ۷۰- ملکیان، مصطفی، «فلسفه اسلامی: هستی و چیستی؛ گفتگو با استاد ملکیان»، مجله نقد و نظر، شماره ۴۱-۴۲، (۱۳۸۵ش).
- ۷۱- موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، المدخل الى التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، نجف اشرف: مطبعة الآداب، (۱۳۸۹ق).
- ۷۲- موسی، حسین یوسف، الإفصاح فی فقه اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۱۰ق).
- ۷۳- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیر کبیر، (۱۳۷۱ش).
- ۷۴- میدانی، عبدالرحمن حسن جبنکه، معارج التفكير و دقائق التدبر، دمشق: دارالقلم، (۱۳۶۱ش).
- ۷۵- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إيجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دارالغرب الإسلامی، (۱۴۱۵ق).
- ۷۶- واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالقلم، (۱۴۱۵ق).
- 77- Means, Tiffany, "What is plate tectonics?", <https://www.livescience.com>, (2024).